

فرافرا واقعی



در مورد ایده و داستان فیلم بگوئید.

فیلم در مورد یک کودک ناشنوا است که توسط برادرش به جنگل برده می‌شود. برادر و دوستان ادعا می‌کنند درختی پیدا کرده‌اند که آرزوها را برآورده می‌کند و در ادامه اتفاقاتی رخ می‌دهد. این فیلم ۱۵ دقیقه‌ای است و فضایی که فیلم در آن ساخته شده و ویژگی کار با بازیگر یک مقدار شبیه سینمای نئورئالیستی است اما حال و هوایی از فیلم‌های مدرن هم در آن دیده می‌شود و در صحنه پردازی و نوع بر خورد با قصه یک فضای رمز آلود وجود دارد.

لوکیشن فیلمبرداری کجا بود؟

فیلمبرداری این اثر در منطقه تلاش اتفاق افتاد و به واسطه اینکه برایم بسیار مهم بود که این فیلم را با بازیگر کار کنم تقریباً یک سال در مدارس آن منطقه جستجو کردم و به روستاهایی که می‌شناختم و می‌دانستم که احتمالاً گزینش‌های مورد نظر مرا آنجا پیدا کنم رفتم. بخش‌هایی از فیلم در جنگل گیسوم و یک بخشی نیز در روستای شامپلرزان که از بیلاقات خطبه سرا است فیلمبرداری شده است.

فیلم سازی برای شما چگونه آغاز شده است؟

من سینما را در کانون سینماگران جوان به صورت جدی آغاز کردم اما قبل از آن به واسطه اقوامی که در ارتباط با برنامه‌سازی برای تلویزیون داشتم در سنین نوجوانی در گیر تدوین و برنامه‌سازی شدم. به انتخاب مدرسه ملی سینما برای دوره دارالفنون بورسیه شدم و پس از آن چند فیلم ساختم و عضو انجمن فیلم کوتاه و خانه سینما شدم. چند فیلم نسبتاً موفق داشتم از جمله همین «نجان» که در موردش صحبت می‌کنیم که منتخب جشنواره بین‌المللی فیلم هونسکای اسپانیا (اسکار کوالیفای) و برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره یوالبیتی فرانسه شد همینطور منتخب جشنواره بین‌المللی فیلم کودک هندوستان و جشنواره فیلم مستقل آفریقای جنوبی نیز شده است.

سخن پایانی

انسان باید قدرشناس موقعیت‌های که اتفاق می‌افتد و اکرانی که در حال حاضر پیش آمده باشد. این حرفی که اکنون می‌زنم از این منظر که انسان بخواهد این اتفاقی را نادیده بگیرد نیست اما واقعیت این است که اگر ما در مملکت‌مان به سینمای مستقل و فیلم کوتاه و جریاناتی به این شکل بخواهیم اهمیت بدهیم باید واقعا کار فراتر از اختصاص دادن یک یا دو باکس باشد و باید سیاست‌های کلان‌تری وجود داشته باشد، همینطور حمایت‌های جدی‌تری انجام شود و اگر بخواهیم پشت عنوان یک اتفاق از نظر من بسیار کم‌رنگ، ماجرایی حمایت را محدود کنیم به نظر من اتفاقی نخواهد افتاد و دستاوردی نخواهد داشت. با اکران یک باکس که مجموعه‌ها را نفر شاید آنرا دیده‌اند نمی‌توان یک اتفاق فرهنگی را رقم زد. ما اگر واقعا دغدغه‌مان این است که به این جنس از سینما اهمیت دهیم باید شکل این حمایت متفاوت باشد.

به خاطر همین ارجاع مستقیمی به زمان یا دوره خاصی نمی‌کند ولی تقریباً می‌توانیم بگوییم که یک دوره تاریخی است که آن را از دوره حاضر جدا می‌کند. زبان فیلم ترکی است و در تبریز ساخته شده است و می‌توانیم بگوییم که فیلم فضای سورئالی دارد.

با توجه به اینکه فیلم بدون مکان و زمان است از نظر دکور و لوکیشن با چالش‌هایی مواجه بودید؟

ما این فیلم را در لوکیشن بابا باغی کار کردیم که تنها بیمارستان جذامیان ایران است که ۶۰ سال پیش ساخته شده و از همه جای ایران بیماران را به آنجا می‌آوردند. در حال حاضر البته بیماری جذام دیگر مثل سابق خطرناک نیست و بیماران اینجا زندگی خوبی را می‌گذرانند ما به سختی توانستیم از آنجا به عنوان لوکیشن فیلمبرداری استفاده کنیم ولی خب در ابتدا جای خامی بود و صرفاً معماری و خود مکان در اختیار ما بود. ما حدود دو هفته در آنجا کار دکورسازی و فضا سازی داشتیم و جا دارد که از آقای میلاد دل آس طرح صحنه کار و دستیارشان یاسین پناهپور یاد کنم که حدود دو هفته سخت کار کردند و تا پایان مدت فیلمبرداری نیز مشغول به کار و ساخت بودند. خوشبختانه هر کسی که فیلم را می‌بیند در این مورد صحبت می‌کند که صحنه چقدر خوب بود و فضا سازی چقدر بیان کننده حسی بود که باید انتقال داده می‌شد.

سخن پایانی

از خانم نیلوفر زیوردار تهیه کننده کار که در حال حاضر دیگر ایران نیستند و به آمریکا مهاجرت کرده‌اند بخاطر اینکه فیلمنامه ما را حمایت کردند تشکر می‌کنم. همینطور از همه عوامل فیلم که جانانه به ما کمک کردند و هیچ کدام دستمزد واقعی از ما نگرفتند و از انجمن سینمای جوانان که پس از ساخت فیلم نصف فیلم را خریداری کردند سپاسگزارم. از گروه هنر تجربه بسیار تشکر می‌کنم که این فرصت را برای فیلم کوتاه ایجاد کرده‌اند و از فیلمسازان فیلم کوتاه و خود فیلم کوتاه حمایت می‌کنند. این بسیار ارزشمند است که فیلم‌های ما در کنار باکس‌های فیلم‌های پر فروش گیشه اکران می‌شود و امیدوارم که این روند اکران فیلم کوتاه به شکل بسیار جدی و حرفه‌ای و دقیق ادامه پیدا کند تا این فرهنگ فیلم کوتاه دیدن در سینما بالاخره در جامعه و فرهنگ‌مان جا بیافتد.

محمد مهدی باقری کارگردان فیلم کوتاه نجان:

به سیاست‌های حمایتی کلان‌تری نیاز است

از اسم فیلم آغاز کنیم چرا «نجان»؟

نجان یک کلمه تالشی است که خلاصه شده واژه ننه جان یا همان جان مادر است. اسمی است که در زمان قدیم در منطقه تالش استفاده می‌شده و در حال حاضر کمتر استفاده می‌شود.

کنار همدیگر به یک وحدتی از لحاظ موضوع، مفهوم و کانسپت کلی برسند. تقریباً همه کارها ویژگی‌های فرا واقعی، فانتزی یا خیال گونه داشتند که یک فضای مثبتی را در کنار هم ایجاد کردند.

فیلم «رنگارنگ» تاکنون در چه جشنواره‌هایی بوده و آیا توانسته جوایز خارجی کسب کند؟

«رنگارنگ» در دومین سالانه جشنواره فرهنگ کالیفرنیا شرکت کرده همینطور در جشنواره ریور ایتالیا موفق به حضور شد. «رنگارنگ» نامزد دریافت سیمرغ جشنواره فجر در زمینه فیلم کوتاه و برنده فاند حمایتی فیلم بلند از فارابی شد.

آیا در ساخت با چالش خاصی روبرو بودید؟

البته هر فیلمی چالش‌ها، مسائل و مشکلات خاص خودش را دارد و در این فیلم هم اولین چالشی که با آن برخورد داشتم این بود که باید یک حجم زیادی اسکناس تهیه می‌کردیم چرا که این فیلم در مورد آرزوهای بشریست و فردی آرزو می‌کند و این آرزوها برآورده می‌شوند یا نمی‌شوند و یکی از آرزوها حجم زیادی پول است به نوعی که این فرد در دریایی از پول شنا کند. با توجه به بودجه محدودی که ما داشتیم مجبور شدیم که این صحنه را به صورت واقعی اجرا کنیم و بخش دیگر از چالش‌های ما به جلوه‌های ویژه کار برمی‌گشت. غول چراغ جادوی ما صرفاً یک چشم بود و ما از پشت پنجره زیرزمین آن چشم را می‌دیدیم و اجرایی کردن این چشم کمی چالش برانگیز بود و باید به ریزه کاری‌های فراوانی برای شکل دهی به یک فضای جادویی دقت می‌شد پس نیاز به ایده‌های خلاقانه، جمع و جور و قابل اجرا داشتیم.

از بحث تهیه فیلم بگوئید.

فیلم محصول انجمن سینمای جوان اراک است و تهیه کنندگی این کار بر عهده خانم گلستا غفاری بود. از نظر بودجه فیلم بسیار محدودی بود و تقریباً با هزینه ۴۵ میلیونی ساخته شد و فیلمبرداری‌های مان نیز در دو جلسه و نیم به اتمام رسید.

نوید نامی کارگردان فیلم مریضخانه مرکزی:

فیلم ارجاعی به دوره تاریخی خاصی ندارد

به همراه برادر تان وحید نامی به تجربه دیگری دست زده‌اید در مورد ایده فیلمنامه، مدت زمان و موضوعش بگوئید.

ایده فیلمنامه در مورد این است که یک عمل جراحی بسیار عجیب و غریبی روی فردی انجام می‌شود و این فرد شهر دار شهری است که مادر فیلم از آن سخن می‌گوییم. کشمکش فیلم آنجاست که شهردار رو به مرگ است و بحران پیچیده‌ای به وجود می‌آید. فیلم حدود ۲۰ دقیقه است و به نوعی بدون زمان و مکان است و تاریخ مشخصی ندارد